

## حکم مرور زمان در مورد اسناد رسمی

پیش از ورود به بحث پیرامون جریان مرور زمان در مورد اسناد رسمی مقدماً مرور زمان تعریف و قلمرو و شرایط تحقق آن اجمالاً بیان میشود :

مرور زمان بلسان ماده ۷۳۱ آئین دادرسی مدنی عبارت از گذشتن مدتی است که بموجب قانون پس از انقضاء آن مدت دعوی شنیده نمیشود و قلمرو مرور زمان طبق ماده ۷۳۵ و مواد دیگر همان قانون کلیه اموال اعم از منقول و غیر منقول و حقوق و دیون و منافع و محصول و اسباب تملک و ضمان و سایر دعاوی و تعهدات است. شرایط تحقق مرور زمان اختصاراً بدین شرح است :

۱ - مرور مدت معین قانونی.

۲ - عدم مطالبه صاحب حق.

۳ - در مورد اموال غیر منقول تصرف متصرف هم بعنوان مالکیت بر شرایط قبلی

اضافه میگردد :

حال با توجه بقلمرو مرور زمان که مطابق ماده ۷۳۷ قانون آئین دادرسی مدنی مشمول آن به مطلق دین تسری داده شد و فرض قانون دین ثابت میباشد نه دینی که در مرحله اثبات است این مسئله مطرح میگردد که اگر دین وسیله سند رسمی حادث شده باشد آیا مشمول مرور زمان میگردد یا نه ؟

بنظر میرسد که قضیه را از هر جهت مورد مذاکره قرار دهیم قابل استدلال

و جانبداری باشد.

۱ - از تز جریان مرور زمان در مورد اسناد رسمی با توجه به مواد قانون

دفاع میشود :

الف - ماده ۷۳۷ قانون آئین دادرسی مدنی که قسمتی از قلمرو مرور زمان را بیان نموده مطلق (دین) را مقرر داشته و این اطلاق تعمیم بهر گونه سند از رسمی و غیر رسمی دارد. لذا برای اختصاص مرور زمان به دین عادی و عدم جریان آن نسبت با اسناد رسمی نصی لازم است که ظاهراً وجود ندارد.

ب - مطابق ماده ۷۴۲ همان قانون هر گاه مابین دائن و مدیون تفریغ حساب شده و یا (سندی) مبادله شده باشد مدت مرور زمان از تاریخ تفریغ حساب یا (سند) شروع میشود بطوریکه ملاحظه میشود در ماده مذکور مطالبه دینی که بوسیله (سند) مستقر شده پس از مرور مدت معین قانونی قابل ایراد است و در ماده فوق مطلق کلمه (سند) که شامل سند عادی و رسمی میگردد استعمال شده و بعید بنظر میرسد که منظور قانونگذار از کلمه سند و بکار بردن آن در ماده فوق ناظر بنوشته عادی باشد.

### حکم مرور زمان در مورد اسناد رسمی

ج - ذیل فصل سوم از باب یازدهم قانون آئین دادرسی مدنی تحت عنوان ( در مواردیکه حکم مرور زمان جاری نمیشود یا معلق میگردد ) قانونگذار دو مورد را پیش بینی نموده که بواسطه وضعیت خاص موضوع مشمول مرور زمان نمیشود یا جریان مرور زمان معلق میماند.

۱ - مطابق ماده ۷۵۶ ق . ا . د . م . نسبت بدینی که موجد یا مشروط باشد مادامی که موعد آن نرسیده یا شرط موجود نشده حکم مرور زمان جاری نمیشود و از وقت رسیدن موعد یا تحقق شرط مدت مرور زمان شروع خواهد شد بطوریکه از ماده مذکور مستفاد میگردد مطلق دین اعم از اینکه پرداخت آن بفرآ رسیدن اجل موقوف شده و یا به تحقق شرطی باشد پس از حلول اجل و تحقق شرط طبق قاعده کلی هرگاه دین مطالبه نشود و مدت معین قانونی مرور باید قابل ایراد مرور زمان میباشد خواه مستند دین سند رسمی باشد یا عادی.

۲ - طبق ماده ۷۵۷ ق . ا . د . م . نسبت باملاکی که در دفتر املاک به ثبت رسیده است مرور زمان جاری نمیشود این ماده بدین شرح بیشتر قابل ملاحظه است :

بطوریکه از مدلول مجموع مواد قانون در باب مرور زمان بنظر میرسد و ماده ۷۳۷ و مواد بعد از آن دلالت دارد هر دین یا حق و تعهدی و بطور کلی هر ادعائی که مطالبه نشود و مدت معین قانونی بر آن جاری شود لیاقت ایراد مرور زمان را دارد و این خود میتواند یک اصل قضائی بخود بگیرد بدین شرح که اصل جریان مرور زمان است در مورد هر ادعا پس از مرور مدت قانونی مگر قانون استثناء نماید.

حال عدول از این اصل و قاعده استثناء بر اصل فوق خواهد بود و نیاز به نص خاصی دارد و نص خاص هم در صورت ورود باید در مورد منصوص اعمال شود و قابل تسری بموارد دیگر نیست و در ماده یاد شده صرفاً قانونگذار در خصوص املاکی که در دفتر املاک ثبت رسیده است و لو آنکه ملک در تصرف غیر مالک باشد قاعده فوق را شکسته و از آن عدول کرده و مرور زمان را تسری نداده است .

بنابراین مفهوم مخالف ماده بالا با توجه بفصلی که ماده در آن گنجانیده شده است ( در مواردیکه حکم مرور زمان جاری نمیشود . . . ) این است که حکم مرور زمان در سایر موارد غیر از املاکی که در دفتر املاک ثبت رسیده است جاری خواهد شد و لذا شامل دیون و حقوق و تعهداتی که مستند آن سند رسمی باشد میگردد .

د - فلسفه وجودی مرور زمان در موارد اموال و تعهدات این است که قانونگذار فرض مینماید کسیکه مدت معین قانونی بر موعد مطالبه حق ادعایی او مرور یافته و درصدد مطالبه بر نیامده از حق خود اعتراض نموده است لذا قانون هم از چنین حقی حمایت نخواهد کرد خواه وسیله سند رسمی مستقر شده و یا مستند آن سند عادی باشد .

همانطوریکه ماده ۷۳۱ قانون آئین دادرسی مدنی بیان نموده مرور زمان عبارت از مدتی است که با انقضای آن مدت ( دعوی ) شنیده نمیشود بنابراین ایراد مرور زمان موجب عدم استماع ( دعوی ) میباشد و در خصوص اسناد رسمی لازم الاجرا دعوائی وجود

### حکم مرور زمان در مورد اسناد رسمی

ندارد که تمسک بمرور زمان مورد پیدا کند بلکه ادعا جامه حق ثابت بتن نموده و باصرف صدور برگ اجرائیه دائن با استفاده از اموال مدیون بدون مراجعه بمحکمه با توجه بماده ۹۲ قانون ثبت اسناد بحق خود میرسد.

هر گاه گفته شود که طبق ماده ۱ قانون اجرای اسناد رسمی مصوب ۲۷ شهریور ماه ۱۳۲۲ هر کسی دستور اجرای اسناد رسمی را مخالف با مفاد سند یا مخالف قانون دانسته یا از جهت دیگری شکایت از دستور اجراء سند رسمی داشته باشد میتواند بترتیب مقرر در آئین دادرسی مدنی اقامه دعوی نماید و بنابراین مدیون که بدهی خود را مشمول مرور زمان میداند با توجه بماده مرقوم دادخواست بداد گاه صالحه تقدیم و تقاضای ابطال سند و بالتلیجه رفع دین را بعلت شمول مرور زمان مینماید شاید بتوان بدین نهج اشکال نمود که :

اولاً - حق اقامه دعوی که از ماده فوق ناشی میشود در موردی است که شکایت از دستور اجراء بعلت مخالف بودن دستور با قانون یا مفاد سند یا جهت دیگری باشد و عبارت اخری این حق ناظر بموردی است که شخصی از دستور اداری اجراء بعلت مخالف آن با مفاد سند یا قانون یا جهت دیگری شکایت داشته باشد.

ثانیاً - طبق ماده ۱۹۷ قانون آئین دادرسی مدنی ایراد مرور زمان در شأن خواننده میباشد و کسیکه تقاضای ابطال سند رسمی را از دادگاه مینماید خواهان دعوی ابطال سند است و مرور زمان را که جنبه تدافعی دارد و از جمله ایرادات است نمیتواند بعنوان دلیل مستند دعوی خود قرار دهد و مفید همین معنی است حکم شماره ۲۵۶ مورخ ۳۴/۲/۲۰ شعبه ه دیوان کشور که :

« ایراد مرور زمان از حقوق مدعی علیه است و اختصاص بموردی دارد که دعوائی در مراجع قضائی طرح گردد و بنابراین مدیون سند رسمی نمیتواند در دادگاه بخواسته ابطال سند مزبور و ابطال سند اجرائیه از لحاظ شمول مرور زمان اقامه دعوی نماید » .

ثالثاً - همانطور که بیان شد مرور زمان جنبه دفاعی دارد لذا در مقابل ادعا قرار نمیگیرد نه مستند ادعا ( در اینجا ناگزیر از ذکر دو نکته هستم :

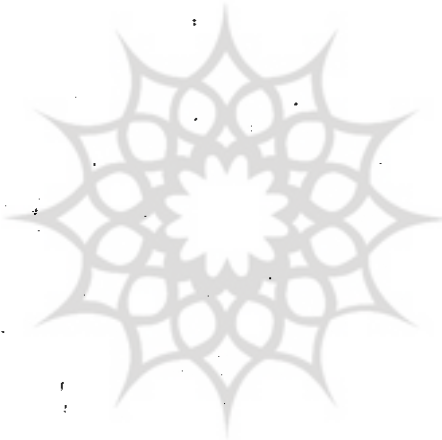
۱ - اینکه در مجموعه اصول محاکمات حقوقی کمانگر ماده ۱۹۷ قانون ا.د.م اشتباهاً چاپ گردیده در موارد زیر مدعی میتواند ضمن پاسخ از ماهیت دعوی ایراد کند و حال آنکه صحیح ماده مدعی علیه است.

۲ - اینکه اگر گفته شد مرور زمان از ایراداتی است که تنها مدعی علیه میتواند بان توسل جوید نه این است که همیشه مدعی علیه همان شخصی میباشد که در بدو تنازع مدعی علیه بوده چه گاه ممکن است در ضمن دعوی مدعی و مدعی علیه جای خود را عوض نماید !

### حکم مرور زمان در مورد اسناد رسمی

مثلاً هر گاه در قبال دعوی خواهان خوانده بموجب نوشته مدعی حقی شده که قانوناً مشمول مرور زمان گردیده است خواهان که مقابل چنین سندی باید دفاع نماید و در این قسمت خوانده محسوب است میتواند بایراد مرور زمان تمسک نماید).

حال با توجه بدو نظر مذکور و استدلال موافق و مخالف که ماحصل آن بیان شده عده‌ای قائل بتفصیل شده‌اند بدین وجه که هر گاه متعهد له سند رسمی از امتیازی که ماده ۹۲ قانون ثبت اسناد (۱) بسند رسمی داده است صرفنظر نموده و جهت مطالبه حق خود بمحاکم مراجعه یا مطالبه دین مشروط بتحقق شرطی باشد ودائن برای احراز تحقق شرط و استحقاق خود بمطالبه دین خود بمطالبه دین بدادگاه رجوع نماید ایراد مرور زمان از طرف مدیون (خوانده دعوی) در قبال او پذیرفته و قبول آن از طرف محاکم بلا اشکال است در غیر اینصورت چون ایراد مرور زمان در شان خوانده و در مقام دفاع در محکمه قابل ترتیب اثر است برابر برگ اجرائیه که مبتنی بر سند رسمی موجه و مقبول نیست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی